

تلقیح مصنوعی واژدواج

با همسران پیامبر

پاسخ به دو سؤال منهبی

۱۵ : نظر اسلام درباره تلقیح مصنوعی چیست؟!

۱۶ : چرا همسران پیامبر پس از درگذشت او نباید ازدواج کنند؟

سؤال اول: یکی از خوانندگان گرامی سؤال میکند که نظر اسلام درباره تلقیح مصنوعی چیست؟ (ومقصود از تلقیح مصنوعی این است که نطفه مرد را با وسائل طبی، وارد رحم زن کنند و از این راه بدون انجام عمل آمیزش، باردار گردد).

پاسخ: تلقیح مصنوعی درباره نباتات و حیوانات سایقدهای دارد، و از طریق پیوند، بسیاری از درختان و حیوانات را بارداری سازند، ولی تلقیح مصنوعی درباره انسان کاملاً تازگی دارد و انگیزه افراد، برای این کار، این است که کسانی که بعللی، قدرت بر تولید، ندارند ولی زنان آنها از هر نظر برای بارداری آماده می باشند برای اینکه شبستان زندگی آنها به وجود فرزند روشن شود. نطفه همان مرد یا مرد دیگری را از طریق وسیله پزشکی، وارد رحم زن می نمایند و از این راه بارداری شود.

امروزه این مسئله در مرکز قانونگذاری جهان مانند انگلستان و فرانسه و مصر و کشورهای دیگر مورد بحث و گفتگو است مجلس عوام انگلستان تصمیم گرفت که هیئتی از حقوق دانان بزرگ تشکیل دهد، درباره این موضوع مطالعه کنند، پزشکان فرانسه انجام آن را موقول به رضایت زن و شوهر دانسته و در صورت رضایت طرفین انجام آنرا بی مانع میدانند، پاپ

در این طبقه اعلامیه‌ای آنرا تحریم نموده و مفتش اعظم مصر آن را بدقان از «پسر خواندگی» که در آئین اسلام ممنوع است، دانسته است.

تلقیح مصنوعی دو صورت دارد :

نخست اینکه، نطفه مردی را به همسر خود او تزریق کنند این قسم از نظر دلائل فقهی بی‌اشکال است زیرا هر دو طرف همسرش عی و قانونی یکدیگر هستند و مرد وزن حق دارد که صاحب فرزند شوند، در این قسم فرقی نمی‌کند که این کار از طریق آمیزش انجام گیرد یا از طریق وسائل طبی صورت پذیرد، البته در انجام امر تلقیح مصنوعی باید کوشش نمود که منجر به ارتکاب حرامی نشود مثلاً مرد بیگانه آنرا انجام نمهد بلکه خود شوهر متصرفی آن گردد.

صورت دوم اینکه: نطفه مرد بیگانه‌ای به همسر شخص دیگر تزریق شود این قسم از نظر اسلام درباره نکاح که بر اساس احتیاط و دقت و پرهیز کاری استوار است به طور مسلم مجاز نیست، و نظر مراجع بزرگ اسلام نیز همین می‌باشد، و از برخی از روایات که در باب ازدواج وارد شده است می‌توان تحریم آن را استفاده نمود.

گذشته از این از نظر اصول اخلاقی و اجتماعی و عاطفی این کار هرگز صحیح و صلاح نیست و از نظر دارای مفاسدیست که به طور اجمال به آنها اشاره می‌شود.

۱- از نظر اخلاقی یک چنین کار، زن را به بی‌بندوباری جنسی سوق می‌دهد و کم کم به آمیزش‌های نامشروع تشویق می‌کند و با خود چنین می‌اندیشید که چه فرقی می‌کند که نطفه مرد بیگانه از طریق تلقیح مصنوعی وارد رحم او گردد یا از طریق آمیزش نامشروع، چه ساین زن پس از انجام گرفتن این عمل ولوبه رضایت شوهر، اقدام به آمیزش‌های نامشروع نیز بنماید زیرا این کار برای او از نظر شوهر مخاطر ای بازخواهد آورد و اگر بازدار گردد می‌تواند آنرا به گردان تلقیح مصنوعی که به اجازه شوهر انجام گرفته است بیاندازد.

۲- از نظر مسائل اجتماعی این کار اساس اجتماع را متزلزل می‌سازد و موجب بهم ریختن نظام خانوادگی و بهم خوردن نسب می‌گردد و میدانیم یکی از مفاسد آمیزش‌های نامشروع همان اختلاط انساب و از بین رفتن رشته ارتباط میان کودکان و پدران است و این موضوع در تلقیح مصنوعی بصورت اخیر بطور درشن موجود است و نوزاد این قسم از تلقیح مصنوعی، پس از قول و بزدگ شدن پدر خود را نخواهد شناخت.

۳- نقش عاطفه در تربیت و پرورش فرزندان و تأمین هزینه زندگی آنان، بسیار مهم و

حساس است و هر گز نباید از آن غفلت نمود، زیرا عاطفه است که بدر را به پروش فرزندو تحمل هزینه زندگی او و ادار می سازد و عاطفه انسانی در صورتی تحریک می شود که کودک را پاره تن خود بداند، ولی اگر متوجه گردد که از کسی ذیگر است دیگر دلیل ندارد که بازستگین زندگی اورا به دوش بکشد.

* * *

سوال دوم :

«دوشیزه پروین زدیاب» سوال می کند: آیا دقرآن آیه‌ای هست که دلالت کند که همسران پیامبر، پس از رحلت وی، نباید با کسی ازدواج کنند، و اگرچنان آیه‌ای هست فلسفه آن چیست؟

پاسخ :

قرآن مجید در سوره احزاب آیه ۵۳ صریحاً می‌کوید: که همسران پیامبر پس از رحلت آنحضرت نباید ازدواج نمایند. «وما كان لكم ان تؤذوا رسول الله ولا ان تتحکموا اذا واجهه من بعده ابداً»: «هر گز نباید پیامبر را آزاردهید و حق ندارید پس از درگذشت وی بازنان او ازدواج ننمایید».

در این صورت این سوال پیش می‌آید که علت این تحریم چیست؟ و روی چه مصالحی خداوند آنان را از حق مشروع ازدواج محروم نموده است؟

پاسخ این مطلب با توجه به نکات ذیر روشن است:

اولاً : ترک ازدواج با همسران رسول‌خدا یک نوع احترام به شخصیت پیامبر است همانطور که مسلمانان در حال حیات پیامبر باید به شخصیت او احترام بکنند همچنین باید پس از درگذشت وی احترام اورا در نظر بگیرند و ترک ازدواج با همسر یک شخصیت بزرگ یک نوع احترام به شخصیت او بشماریم ورد.

در برخی از کشورها نه تنها با همسر بزرگ فامیل پس از درگذشت وی ازدواج نمی‌کنند بلکه بازماندگان او کوشش می‌نمایند که پس از درگذشت بزرگ خانواده، وضع خانه و اطاق کاروزندگی اورا بهم نزند و از این طریق بدیگران برسانند که بزرگ ما هنوز زنده و جاوید است و از میان ما رخت بر نبسته است.

ثانیاً : همسران رسول‌خدا بر اثر زناشویی با پیامبر فضیلت و افتخار خاصی کسب کرده بودند اگر پس از درگذشت پیامبر ازدواج با آنان مشروع و قانونی بود، بسیاری از شخصیت‌های

برجسته، برای کسب چنین افتخاری علاقه به ازدواج با آنان پیدا کرده و در این راه دست به تلاش و فعالیت می‌زدند، ومطلب همین جا خاتمه نمی‌پذیرفت چه بسا در تحصیل این افتخار کشمکش و نزاع در میان سران قوم پیش می‌آمد.

اسلام برای جلوگیری از بروز چنین اختلاف و نزاعی، ازدواج با زنان پیامبر را تحریم نموده و عامل اختلاف را ریشه کن کرده است، نه تنها در این مورد بلکه در موارد دیگر مسی نموده که عامل اختلاف را بر طرف سازد. مثلاً در تقسیم غنائم جنگی که سربازان اسلام بدست می‌آورند مقرر شده که آنچه از خصائص ملوک و سلاطین است میان جنگجویان تقسیم نگردد بلکه مر بوط به پیشوای مسلمانان و بیت‌المال باشد ذیراً اگر یک چنین غنائم پر قیمت و گران‌بها در میان سربازان تقسیم کردد چه بسا در درس تقسیم آن، کشمکش درگیرد یا کدورتی حاصل شود.

ثالثاً : همسران پیامبر روی احترام خاصی که در میان مسلمانان داشتند با هر کسی وصلت می‌کردند مایه جلب قلوب مردم، به سوی اومی شد حتی بزرگترین حربه پیمانشکنان جذک جمل، این بود که یکی از همسران رسول‌خدا با آنان همراهی نموده بود. هر گاه ازدواج با همسران رسول‌خدا مشروع و قانونی بود، ممکن بود به منی از رجال سیاسی پیوند خود را با همسران رسول‌خدا دستاوریز قرارداده و افکاردارا به نفع خود متوجه سازند، از این نظر قرآن دستور می‌دهد که زنان پیامبر پس از رحلت او بادیگری ازدواج نکنند و به هیچ جناحی نپیوندند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پالا جامع علوم انسانی

راحت ریستن

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سه چیز است که اگر مردم از آن دور باشند راحتند:

زبان بد، دست بد، و کار بد!